



خبر

چه چیزی ماهیان رودخانه (قره‌سو) را کشت؟

از وقتی خبر مرگ دسته‌جمعی ماهیان دریاچه قره‌سو منتشر شد، خیلی‌ها به دنبال دلیل این تلفات ۳۰۰۰ تایی بودند؛ حالا معاون نظارت و پایش اداره‌کل محیط زیست استان کرمانشاه ورود پساب صنعتی را عامل مرگ ماهیان در دریاچه قره‌سو عنوان کرده و البته به ایسنا گفته در شرایط عادی هیچ پساب خامی از صنایع وارد این رودخانه نمی‌شود.

آذرولی‌زاده با اشاره به این حجم از تلفات ماهی گفته: مدارحال بررسی منبع آلودگی بودیم که در نهایت مشخص شد این آلودگی مربوط به پساب خام یکی از واحدهای صنعتی در بالادست منطقه‌ای بوده که تلفات ماهیان رخ داده است. ولی‌زاده در توضیح بیشتر گفته: کارهای نمونه‌گیری و آنالیز نمونه در آزمایشگاه‌های محیط زیست استان در حال انجام است تا مقدار و نوع مواد آلاینده به طور دقیق مشخص شود. معاون نظارت و پایش اداره‌کل محیط زیست استان کرمانشاه البته یادآور شده که پس از مشخص شدن نتیجه نهایی، ریز آلاینز مواد را برای پیگیری به مرجع قضایی و دادستانی اعلام خواهند کرد.

به گفته ولی‌زاده، این واحد در شرایط عادی مجهز به تصفیه‌خانه فاضلاب است، اما اکنون میزان تولید پساب آن بیش از حد ظرفیت تصفیه‌خانه بوده و مقداری از این پساب خام وارد رودخانه شده است. در همین رابطه به واحد اخطار دادیم که مازاد تولید را متوقف کند و دیگر آلودگی از این واحد صنعتی منتشر نمی‌شود که دوباره منجر به تلفات شود و وضعیت تلفات را به صورت مستمر در منطقه بررسی می‌کنیم.

معاون نظارت و پایش اداره‌کل محیط زیست استان کرمانشاه البته به مردم هشدار داده با توجه به آلوده بودن این ماهی‌ها از جمع‌آوری و مصرف آنها جدا خودداری کنند.

طراح:بیژن گورانی

جدول شماره ۵۵۱۰

جدول عادی

افقی: ۱) تخلف حادثه‌ساز جاده-

۲- شکاف باریک (۲) شهری در سوریه - نوعی بیماری ویروسی کشنده- سنگ‌های زینتی (۳) از تیم‌های فوتبال اسپانیا- يك از تهمت- پنج ترکی (۴) زمین بی‌آب و علف- نوعی عنکبوت- پهلوان تورانی شاهنامه (۵) بله‌آلمانی- مجرای خروج دود اتومبیل- پیشگوی برهمایی (۶) زن سرخ‌رو - بی‌آغاز - گرسنه نیست (۷) از اجزای مهم موتور خودرو- جزآن - تعجب و حیرت (۸) بلندترین مرتبه ذات خداوند - اسب آرموده (۹) از جزایر ژاپن- تکیه‌کلام درویش - عجیب (۱۰) خودپسندی- سر بریده- شاخه‌ای از فیزیک (۱۱) از پیامبران بنی‌اسرائیل - عظمت- عمر بی‌پایان (۱۲) شبکه کودک سیما- نوعی طلاق- مزرعه‌کچك (۱۳) حرف دهن‌کچی- سبز مایل به خاکستری- مأمور تشریفات صفوی (۱۴) بی‌غرضه- تاکسی سرویس - ساعت دست (۱۵) بیان آرزو- از هفت‌خان رستم.

عمودی: ۱) زادگاه و محل تولد ستاره‌ها - پول امارات - گیاهی با ساقه بالا رونده (۲) شهر خرما- درگذشته - همسایه برزیل (۳) آبادی بزرگ- از انواع انرژی - یال اسب (۴) زمان جاودانه جك لندن - مستقیم (۵) چپاول‌کننده- بزرگ‌ترین شهر امارات عربی متحده - خروس عربی (۶) دارای اخلاق خشك - پرنده‌ای از خانواده گلاغ - رشته‌ای در شمشیربازی (۷) رفت وآمد زیاد- پدر مرده - نماز وحشت (۸) گلابی- لقب پادشاهان روسیه بود - دروغی- عامل انتقال صفت ارثی (۹) صاحب هفت اورنگ- گرم‌ترین سیاره- پایه (۱۰) هزار

حل جدول عادی شماره ۵۵۰۹

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵
۱ س ر ب د ا ن ا ن ا ن ا ن ا ن ا ن ا ن
۲ م ی ل ا ی ا س ی ا س ی ا س ی ا س ی
۳ ا ی ن ا ج م ا ا م ا ا م ا ا م ا ا م
۴ ا ا س ا ب و ا ل ا ه ی ا ه ی ا ه ی
۵ ا ا ب ا ل د ا ا ا ا ا ا ا ا ا ا ا ا
۶ ی ا ر ب د د ا ا ا ا ا ا ا ا ا ا ا ا
۷ ک ر ن ا ا ا ا ا ا ا ا ا ا ا ا ا ا
۸ ی ر د ی ک ن ر ج ی س ا ا ی ک ی
۹ ی و ی ل ی ی م ج ر ا ر ا ر ا ر ا
۱۰ ی ا م ا م ا ا ا ا ا ا ا ا ا ا ا ا
۱۱ ی ب ل ا ل ا ل ل ن ی ی ی ی ی ی
۱۲ ن ج ن س ت و ن ی م ا م ا م ا م ا
۱۳ ا ا ن ا ن ا ل ا م ا ا م ا م ا م ا
۱۴ ر ک ی ب و ی س ک و ن ی ز ی ا
۱۵ ا ی ر ل ن د ا ر د ا ر و ی ا ز ی



هر هفته یک گوشه از ایران زیبا

پنجشنبه‌های ایرانگردی

هر هفته یک گوشه از ایران زیبا

ایرانگردمان

این هفته و در این

پاییز بارانی تصمیم گرفته ما را ببرد

به یک نقطه کویری

با آسمانی پرستاره

و کوچه‌باغ‌های

سرخ اناری

در استان یزد

شاه‌رود میزبان نهمین جشنواره گردشگری سفر به زیستگاه زاغ بور

اگر جزو علاقه‌مندان پرندگان بومی کشورمان هستید، به گوش باشید و برای نهم و دهم آبان هیچ برنامه‌ای نریزید. چراکه قرار است يك جشنواره گردشگری ویژه شما برگزار شود. کجا؟ در روستای قلعه بالا در ۱۴۰ کیلومتری شهر شاه‌رود. این خبر را حمیدرضا حسنی، رئیس اداره میراث فرهنگی شاه‌رود اعلام کرده و با

از مهرنگار تا مهریز

مهریز و روستاهایش هم تاریخ دارد و هم طبیعت ، هم قنات و هم کوچه‌باغ و باغ انار

🌳 باران که از دو روز پیش باریدن گرفت، رسماً با خودش پاییز را هم آورد؛ پاییز رنگارنگی خیس عاشق پیشه را؛ آنقدر که فضای مجازی پر شد از عکس‌ها و استوری‌ها و متن‌های زرد و سرخ باران زده دلربا. حالا تصور کن که کلا اهل سفر هم باشی و به قول ما اهل دل- دلت مثل يك كپوتر پر می‌کشد توی آسمان و چرخ می‌زند روی تپه‌ها و دشت‌ها و شهرها و روستاها و باغ‌ها و می‌گردد دنبال جایی که هم پاییزش از همه جا زیباتر و دلبرانه‌تر باشد و هم بشود چند روزی را فارغ از هیاهوی روزمرگی شهرهای شلوغ، به تماشای دوست داشتنی‌های طبیعی و تاریخی نشست؛ جایی که هم روح‌را نوازش کند و هم تصاویرش صفحات اینستاگرامت را رنگارنگ و پرمخاطب؛ جایی مثل مهریز یزد؛ همانجا که پای دلمان ما را به آنجا کشاند.

مهریز در نزدیکی شهر یزد و بر دامنه جنوب شرقی شیرکوه واقع شده، شهری پر از حکایت و قصه؛ مثل قصه‌ای که محلی‌ها برایمان تعریف کردند تا مهریز را به مهرنگار، دختر انوشیروان ساسانی نسبت دهند و گفتند نام این شهر هم از

تماشای خورمیز از دامنه کوه

اولین برنامه‌ای که اداره میراث برایمان چیده بود، بازدید از روستای زیبای خورمیز بود، با صرف صبحانه‌ای در يك اقامتگاه بومگردی که بر دامنه کوهی قرار دارد و از تراس آن می‌توان روستای سبز خورمیز را به تماشا نشست. گفته می‌شود این روستا به دست فرزند پسر انوشیروان ساسانی، هرمز تاسیس شده و یکی از راهنمایان محلی برایمان تعریف کرد که مهرنگار و هرمز فرزند انوشیروان ساسانی و دختر خاقان ترك بوده‌اند. انوشیروان یزد را به دخترش مهرنگار می‌بخشد.

مهرنگار بعد از ایجاد آبادی به نام مهرگرد، آبادی در يك فرسنگی آن به نام هرمز (هرمیز)، برادرش احداث می‌کند و هرمز نیز در این آبادی قلعه و قناتی ایجاد می‌کند؛ قناتی که همچنان در منطقه جاری است و بقایایی قلعه نیز بر فراز یکی از کوه‌های اطراف خورمیز دیده می‌شود. نام آبادی با گذشت زمان به خورمیز تغییر می‌کند.

دیدن قنات هم لذتی دارد برای خودش و ما هم می‌رویم سر چاه يك قنات که فردی آنجا ایستاده، نامش نوراحمد است و سال‌های دور برای فرار از جنگ و رسیدن به آرامش، افغانستان را به قصد ایران ترك کرده، منتظر دو

بیان این‌که این شهرستان میزبان نهمین دوره جشنواره سفر به زیستگاه زاغ بور می‌شود، گفته؛ این جشنواره گردشگری با هدف بازدید گردشگران از زاغ بور، پرندۀ بومی - انحصاری ایرانی که زیستگاه اصلی آن زیست‌کره حیات وحش توران است، برگزار می‌شود. البته این همه ماجرا نیست و بازدید از بافت روستای هدف

ایرانگردی

فاطمه فراهانی

ایران

ایرانگردی

نام مهرنگار گرفته شده و البته توی اسناد تاریخی هم از این دست روایات کم نیست. مهریز شهر قنات‌ها و باغ‌هاست و بیشتر از همه باغ انار که سرخی‌شان مثل خون عاشقان هر پاییز به جوشش می‌افتد.

مهریز روستا هم زیاد دارد و مظهر قنات‌های بسیاریش بعد از طی مسافت طولانی دیده می‌شود؛ قنات‌هایی که گفته می‌شود مهرنگار وقتی به این منطقه می‌رسد، دستور می‌دهد قنات‌هایی ایجاد کنند که مظهر آنها با طی مسافت کوتاه ظاهر شود. قنات هم که ایجاد شود، دنبالش آبادی می‌آید و آدم و سکونت، بعد هم به مهرگرد مشهور می‌شود و مهریجرد و امروز هم مهریز.

اقامتگاه بومگردی زیبای مهریز اولین محل اطراق و استراحت مان بود که البته زیبایی مهریز اجازه نداد خیلی در اقامتگاه بمانیم و کشاندمان به سوی کوچه باغ‌هایش. ما البته مهمان اداره میراث مهریز بودیم و بعد از گشت و گذار در کوچه باغ‌های زیبا به خانه زیبایی برای صرف شام دعوت شدیم؛ خانه‌ای با میزبانانی خونگرم.



دوستش هست که داخل چاه رفته‌اند. لباسش سفید است و می‌گوید سفید می‌پوشیم چون معلوم نیست بعد از ورود به قنات دوباره سالم برمی‌گردیم یا نه!

دل نوراحمد مثل دشت‌های افغانستان وسیع است و مثل آسمانش، گرم و آفتابی.

ساحلی در کویر

غرق در مطالعه و فکر و خیال‌م که اتوبوس توقف می‌کند و راننده با لهجه شیرین یزدی می‌گوید: ام‌دیم دریا، کفش‌هایت را در بیا. از پنجره بیرون را نگاه می‌کنم. حق دارد، در کنار کوهی ایستاده‌ایم که شن‌های آن بی‌اغراق شما را به یاد ساحل می‌اندازد. راهنمای همراهمان توضیح می‌دهد که وزش باد و طوفان، توده‌های عظیم شن را به این بخش از کوه آورده تا امروز به یکی از مناطق تفریحی مهریز تبدیل شود. روزها که آفتاب بر شن‌های تفرجگاه کوه ریگ می‌تابد، راه رفتن بر روی آنها علاوه بر لذت، ویژگی درمانی نیز دارد.

کاروانسرای زین‌الدین مهریز که امروزه به هتل تبدیل شده، جزو معدود کاروانسره‌ای مدور ایران در مهریز است. به پشت بام کاروانسرا می‌روم و به تماشای فرش سیاه آسمان و الماس‌های نورانی چشمک‌زنش می‌نشینم؛ آسمان پرستاره‌ای که فقط در شب چنین کویرهایی می‌شود سراغشان را گرفت.

به یاد سلمان فارسی (روزبه)



قلعه‌ای تاریخی که خندقِ دورتادور دیوارهای بلندش کشیده شده، مقصد بعدی ما در روستای سریزد است؛ قلعه‌ای که در بزرگ آن به روی خندق به مانند پلی قرار گرفته و بر جذابیت و مرموزیت موزه می‌افزاید.

قلعه سریزد ابداعا کاربرد نظامی نداشته و گویی در زمان حیات خود کارکردی به مانند صندوق امانات و بانک‌های امروزی داشته. قلعه دارای دو دیوار است و دور تا دور دیوار بیرونی خندق برای محافظت قلعه کنده شده و بعد از این دیوار حیاط بیرونی و بعد ساختمان اصلی را خواهید دید. دیدن خندق دور تا دور دیوار بیرونی آدمی را به یاد سلمان فارسی می‌اندازد وقتی که پیشنهاد حفر خندق را در نبردی در صدر اسلام به مسلمانان داد. قلعه دارای دو در اصلی است و در اصلی پشتیبان در بیرونی قلعه بوده. در واقع قلعه دو جداره بوده و امکان تسخیر آن غیرممکن. قلعه سه طبقه دارد و دسترسی به طبقات توسط راه‌پله‌هایی که در ابتدا و انتهای هر طبقه قرار دارد ممکن بوده است.

سریزد علاوه بر این قلعه دو کاروانسرا، چندین آب انبار، يك چاپارخانه و دروازه برای دیدن دارد. بودن این همه آثار تاریخی از دوره ساسانیان تا به امروز برایم عجیب و شگفت‌آور است. راهنمای محلی هنوز برایمان از قصه‌های سریزد می‌گوید و من محو زیبایی این روستای کوچک شده‌ام.

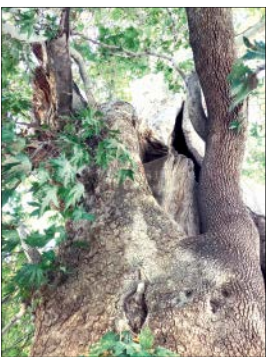
ناهار را در کنار معاون فرماندار مهریز می‌خوریم و با شیرین‌زبان‌ترین میزبان‌ها خداحافظی می‌کنیم. حضور مسؤولان درجه بالای شهر مهریز همچون فرماندار و مدیرکل میراث فرهنگی و سرپرست آن و معاون فرماندار مهریز در کنارمان اهمیت رونق گردشگری در شهر برای مسؤولان و مردم آن را نشان می‌دهد.

زیارتگاه پیرنارکی



غرق در محتویات کتاب در دستم و مهریانی نوراحمد هستم که راننده با لبخند به کوه‌های رو به رویم اشاره می‌کند، بعد از کمی دقت در میان کوه‌ها يك آبادی سبزی می‌بینم. زیارت‌گاه پیرنارکی رو به روی جاده است. موبدان زیارت‌گاه به استقبالمان می‌آیند. باید کفش‌هایمان را در بیاوریم و پاك باشیم. کلاه سفیدی بر سر می‌گذاریم و قدم در معبد زرتشتیان می‌گذاریم. اجرای مراسم اوستاخوانی توسط موبدان و بعد هم پذیرایی بر رسم زرتشتیان. در میان پذیرایی نان سوروک از همه جالب‌تر است؛ نان روغنی که گويا در تمامی مراسم‌های زرتشتیان حضور دارد. در مراسم‌های شاد به همراه شیرینی و پشمک خورده می‌شود و در مراسم‌های عزادون شیرینی. موبدان برایمان توضیح می‌دهند که دین زرتشت، دین پاکی است و این‌که آنها آتش پرست نیستند و...

تنگه چنار و چنارِ کهنسالش



این منطقه پر آب بوده است.

تنگه چنار هم که اقامتگاه زیبای بومگردی دارد که برای ناهار میزبانمان باشد. بعد از ناهار هم با اتوبوس راهی مهریز می‌شویم.

تماشا و اقامت در يك باغ دل انگیز

صبح روز بعد راهی یکی از زیباترین باغ‌های جهان می‌شویم؛ باغ پهلوان پور که جزو باغ‌های ایرانی است و نامش در مجموعه باغ‌های جهانی هم قرار دارد. قناتی هم که در این باغ جاری است، همان قنات مشهور حسن‌آباد است که نامش در فهرست جهانی یونسکو جای گرفته.

اگر با تمام تعاریف بالا هنوز انگیزه‌ای برای سفر به مهریز نیافته‌اید، همین باغ که تمام مشخصات يك باغ ایرانی را دارد، برای بار سفر بستن تا کافی است. صدای آب در تمامی قسمت‌های باغ به گوش می‌رسد.



بعد از گذر از باغ میوه، به کوشک تابستانی باغ می‌رسیم که شاید زیباترین بخش باغ همین کوشک یا شربت‌خانه باشد. کوشک در زمان قاجار ساخته شده و دارای دو طبقه و نیم است. علاوه بر تالار کوشاورها و حوضخانه کوشک، سقف کوشک خیره‌کننده است. آب قنات حسن‌آباد از میان کوشک گذر می‌کند و بعد از عبور از آن در باغ جریان می‌یابد. باغ پهلوان پور جزو معدود آثار جهانی یونسکو است که امکان اقامت در آن وجود دارد. تصور پاییز و رنگ‌های طلایی در این باغ دل‌آمی را به تلاطم در می‌آورد؛ باغی که سرخی انارهایش چشم‌ها و طعم آن، چنان‌را را صفا می‌دهد.

سبذبافی، یادگار نیاکان مهریزی‌ها



سبذبافی یکی از معدود صنایع دستی باقیمانده از دوران گذشته مهریز است. سبذها با شاخه درختچه بادام کوهی که در اطراف مهریز می‌روید، بافته می‌شوند. شاخه‌های منعطف این درختچه به سبذباف اجازه می‌دهد که با دستان هنرمندش، سبذی برای کاربرد روزانه آماده کند. امروزه تنها يك سبذباف در مهریز باقی مانده که او نیز تنها برای حفظ این هنر به تنهایی به دشت‌های اطراف مهریز رفته و این شاخه‌ها را چیده و برای بافت سبذ آماده می‌کند. 🌳